

# بررسی ابعاد جنایات جنسی به عنوان جنایت علیه بشریت

محمد امیر قاسمی شاهی<sup>۱</sup>

## چکیده

جنایت علیه بشریت در معنای تخصصی خود، نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم، در دادگاه‌های نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو مورد پیگرد قرار گرفت که بند (ج) ماده ۶ منشور نورنبرگ و بند (ج) ماده ۵ منشور توکیو به آن اشاره نموده است. جنایات جنسی به عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت، بار نخست در ماده ۲ قانون شماره ۱۰ شورای نظارت، یکی از مصادیق آن ذکر شد، همچنین در ماده ۵ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و در ماده ۳ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا، سپس در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی شش موضوع به عنوان جنایات جنسی بر شمرده شدند. این تحقیق با روش تحلیلی-توصیفی به جنایات جنسی: هتک ناموس به عنف، برده‌گیری جنسی، به فحشا واداشتن، اجبار به حاملگی، عقیم‌سازی اجباری و خشونت جنسی پرداخته است. در واقع تجاوز به اصول انسانیت و تخطی از رفتار انسانی‌اند که به صورت سازمان‌یافته و با علم به آن علیه جمعیت غیر نظامی صورت می‌گیرند.

**واژگان کلیدی:** جنایت علیه بشریت، جنایات جنسی، هتک ناموس به عنف، برده‌گیری جنسی، به فحشا واداشتن، اجبار به حاملگی، عقیم‌سازی اجباری.

## مقدمه

با نگاه کلان به حوزه حقوق (Rights)، اگر آن را قواعدی الزام‌آور بدانیم که هدف آن تنظیم روابط انسان‌ها با یکدیگر، مردم با دولت‌ها و بالعکس، روابط بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی است، از حوزه اول به حقوق خصوصی (Private Law)، از دومی به حقوق عمومی (Public Rights) و از سومی به حقوق بین‌الملل (International Rights) یاد می‌شود؛ لذا ضمانت اجرای قواعد و مقررات حقوق خصوصی و عمومی را حقوق کیفری ملی (National Criminal Law) و ضمانت اجرای سه حوزه از حقوق بین‌الملل، یعنی حقوق جنگ (Rights of War)، حقوق بشردوستانه (Humanitarian Rights) و حقوق بشر را (Human Rights)، حقوق بین‌الملل کیفری (International Criminal Law) دانست که چهار تا جنایت؛ یعنی جنایت تجاوز (Crime of Rape)، جنایت نسل‌زدایی (Crime of Genocide)، جنایت علیه بشریت یا انسانیت (Crime Against Humanity) و جنایت جنگی (War Crime) در آن، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

در این پژوهش به یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت تحت عنوان جنایات جنسی (Sexual Crimes) پرداخته شده است. برای تحقق این جنایات سه شرط لازم است: گستردگی و سازمان‌یافتگی، علیه یک جمعیت غیر نظامی و پیشبرد یک سیاست.

جنایت علیه بشریت را به «قتل، ریشه‌کن‌سازی، برده‌گیری، اخراج یا هر رفتار نانسانی دیگر که علیه جمعیت غیر نظامی پیش یا در هنگام جنگ ارتکاب یافته‌اند یا آزار و اذیت به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی تعریف کرده‌اند، چنانچه این رفتارها یا آزار و اذیت‌ها، خواه ناقض حقوق داخلی کشوری که در آن ارتکاب یافته‌اند، باشند یا خیر، در پی هر جنایتی که در صلاحیت دادگاه است ارتکاب یافته باشند یا با آن جنایت مرتبط باشند» (روبو، ۱۳۹۹، ص ۶۵۰).

در تعریف دیگر «جنایت بر ضد انسانیت جنایتی است علیه رفتار انسانی که اصول کلی حقوقی مشخصی را زیر پا نهاده و به کانون توجه و نگرانی جامعه بین‌المللی

تبدیل می‌شود. آثار و عواقب این جنایت از مرزهای بین‌المللی فراتر رفته و وخامت و وحشی‌گری ناشی از آن محدوده‌های قابل تحمل تمدنِ امروزم را در می‌نوردد» (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹).

تعریف مضیق از جنایت علیه بشریت ناظر به صدماتی است که به حیات انسانی وارد می‌گردد و در تعریف موسع، ناظر به صدمه‌ای مهم و عمدی نسبت به شخص انسان یا نسبت به وضعیت انسانی، یعنی حقوق اساسی انسان تلقی شده است (صلاحی، ۱۳۹۵، ۱۵۵). این اصطلاح در معنای غیر تخصصی در بیانیه ۲۸ مه ۱۹۱۵ دولت‌های فرانسه، بریتانیا و روسیه که کشتار ارامنه توسط ترک‌های عثمانی را جنایاتی بر ضد انسانیت دانستند، مورد استعمال قرار گرفت و در بیانیه‌های مربوط به جنگ جهانی اول نیز به کار رفته است (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰).

اصطلاح جنایت علیه بشریت یا انسانیت در معنای تخصصی خود، نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم، در دادگاه‌های نظامی بین‌المللی نورنبرگ<sup>۱</sup> و توکیو<sup>۲</sup> تحت پیگرد قرار گرفت. بند (ج) ماده ۶ منشور نورنبرگ<sup>۳</sup> عناوینی را به عنوان این جنایت بر شمرده است که بعداً در بند (ج) ماده ۵ منشور توکیو نیز مورد پیروی قرار گرفت؛ با این تفاوت که زجر و آزار به دلایل مذهبی در منشور توکیو حذف گردید. ماده ۲ شورای نظارت، قانون شماره ۱۰۴، مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵ نیز به جنایات بر ضد انسانیت اشاره نموده است که زندانی کردن، شکنجه و هتک ناموس به‌عنف را به فهرست جنایت بر ضد انسانیت منشور نورنبرگ افزوده است.

1. Nuremberg International Military Tribunal.

2. International Military Tribunal for The Far East (Tokyo).

۳. یعنی قتل، نابودی، بردگی، تبعید و سایر اعمال غیر انسانی انجام شده علیه هر جمعیت غیر نظامی، قبل یا در طول جنگ، یا آزار و اذیت به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی در اقدام یا در ارتباط با هر جنایتی در صلاحیت دادگاه، خواه ناقض قوانین داخلی کشور محل ارتکاب باشد یا نباشد. رهبران، سازمان‌دهندگان، محرک‌ها و همدستانی که در تدوین یا اجرای یک نقشه یا توطئه مشترک برای ارتکاب هر یک از جنایات فوق‌الذکر شرکت می‌کنند، مسئول کلیه اعمالی هستند که توسط هر شخص در اجرای آن طرح انجام می‌شود.

۴. جنایات و جرائم، از جمله قتل، نابودی، بردگی، تبعید، زندان، شکنجه، تجاوز جنسی، یا سایر اعمال غیر انسانی ارتكابی علیه هر غیر نظامی، یا آزار و اذیت به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی، خواه ناقض قوانین داخلی کشور محل ارتکاب باشد یا نه.

5. Control Council, Law No. 10, Punishment of Persons Guilty of War Crimes, Crimes Against Peace and Against Humanity.

متعاقباً، مجمع عمومی سازمان ملل، در یازدهم دسامبر ۱۹۴۶ و همچنین کمیسیون حقوق بین‌الملل حمایت و پشتیبانی خود را از تعقیب و محاکمه جنایات علیه بشریت اعلام داشتند. ماده ۵ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق<sup>۱</sup>، تحت عنوان جنایات بر ضد انسانیت بیان می‌کند: این دادگاه بین‌المللی مختار است افرادی را که مسئول جنایات ذیل هستند تحت پیگرد قرار دهد، مشروط بر اینکه ارتکاب جرم در خلال یک درگیری مسلحانه، خواه بین‌المللی یا داخلی صورت بگیرد و علیه جمعیت غیر نظامی باشد؛ مثلاً قتل عمد، نابودسازی، به‌بردگی گرفتن، بیرون راندن، حبس کردن، شکنجه، هتک ناموس به‌عنف، زجر و آزار به دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی و سایر اعمال غیر انسانی.

در ادامه آن ماده ۳ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا<sup>۲</sup> نیز از ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق پیروی نموده و جنایات مذکور در ماده ۵ دادگاه یوگسلاوی سابق را به‌عنوان جنایات علیه بشریت یا بر ضد انسانیت برشمرده است؛ با این تفاوت که شرط موجود در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی مبنی بر این که جنایات فوق باید در خلال درگیری مسلحانه ارتکاب یافته باشد را حذف نموده است.

ماده ۳ اساسنامه دادگاه رواندا، صلاحیت این دادگاه را محدود به تعقیب و محاکمه افرادی می‌نماید که جنایات یادشده را به‌عنوان بخشی از یک تعرض و هجمه گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد هر جمعیت غیر نظامی به دلایل ملی، سیاسی، قومی، نژادی یا مذهبی مرتکب گردیده‌اند. اساسنامه این دادگاه علاوه بر سایر شرایط قیدشده در منشور نورنبرگ، توکیو و اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، ارتکاب هر یک از جنایات نامبرده را مشروط به داشتن قصد تبعیض آمیز نموده است.

ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی<sup>۳</sup> با عنوان جنایات بر ضد انسانیت، در بند ۱ بیان می‌کند که منظور از این جنایات اعمالی هستند که به‌عنوان بخشی از یک تعرض و هجمه گسترده یا سازمان‌یافته و با علم به آن هجمه بر ضد هر جمعیت غیر

1. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia.

2. International Criminal Court of Rwanda.

3. Rome Statute, International Criminal Court.



نظامی صورت می‌گیرد. این ماده متفاوت از بقیه اسناد بین‌المللی، جنایات جنسی را مفصل و به صورت واضح برشمرده است.

با توجه به آنچه اشاره شد، یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت، جنایات جنسی است. در این پژوهش تلاش ما بر این است که به این پرسش که جنایات جنسی به عنوان جنایت علیه بشریت کدام‌اند؟ پاسخ داده شود. نوآوری این پژوهش نسبت به آنچه راجع به جنایات جنسی انجام شده این است که تمامی موضوعات جنایات جنسی را که تاکنون به عنوان جنایت علیه بشریت در دادگاه‌های بین‌المللی شناخته شده‌اند، در یک پژوهش مستقل جمع‌آوری و بررسی نموده است.

اهمیت و ضرورت این پژوهش در این است که به بررسی جنایاتی پرداخته است که تجاوز به اصول انسانیت و تخطی از رفتار انسانی است. جهت پاسخگویی به سؤالات اصلی و فرعی این پژوهش رهیافتی تلفیقی مرکب از روش‌های توصیفی-تحلیلی اتخاذ گردیده است، چون از یک طرف توصیف جنایات جنسی ضروری است؛ از سوی دیگر توضیح و تبیین پیش‌فرض‌ها، گزاره‌ها، مفاهیم، مفروضه‌ها و الزامات جنایات جنسی ماهیت تحلیلی دارد.

این پژوهش با گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، می‌کوشد، نخست به مفهوم جنایات جنسی، سپس به مصادیق و موارد جنایات جنسی که در اسناد بین‌المللی، به عنوان جنایت علیه بشریت برشمرده شده‌اند، با ذکر مثال‌های متعدد، به ویژه مثال‌هایی که تاکنون در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری مورد بررسی قرار گرفته‌اند، پرداخته شود.

### جنایات جنسی (Sexual Crimes)

کلمه جنسی به معنای منسوب به جنس، آنچه به امور شهوانی و اعمال جنسی، مربوط باشد، آمده است (معین، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴۶)، آنچه مربوط به امور شهوانی باشد؛ مانند اعمال جنسی، یا مسائل جنسی به معنی مسائل مربوط به غریزه جنسی (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۶۸۰۴). در چنین موارد اگر رضایت مجنی‌علیه یا قربانی به صورت واقعی

یعنی داوطلبانه و آزادانه ابرازشده باشد جرم تجاوز به عنف منتفی است. در این پژوهش، با توجه به اسناد بین‌المللی از قبیل ماده ۲ قانون شماره ۱۰ شورای نظارت، ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، ماده ۳ اساسنامه دادگاه رواندا و به‌ویژه ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایات جنسی به‌عنوان جنایت علیه بشریت مورد بررسی قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از: هتک ناموس به‌عنف، برده‌گیری جنسی، به‌فحشا واداشتن، اجبار به حاملگی، عقیم‌سازی اجباری و خشونت جنسی. ممکن است گاهی این موضوعات در ذیل جنایات جنگی یا نسل‌زدایی هم قرار بگیرند؛ اما این پژوهش به بررسی ابعاد جنایات جنسی به‌عنوان جنایت جنگی یا نسل‌زدایی پرداخته است.

### ۱. هتک ناموس به‌عنف (Sexual Assault)

زنا یا به‌عنف یا تجاوز جنسی و یا به عبارت برخی نویسندگان هتک ناموس عبارت است از آمیزش جنسی (Sexual intercourse) یک مرد با یک زن برخلاف میل و رضایت او (نوبهاری طهرانی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۵). هر کس به‌عنف یا تهدید (Threat) هتک ناموسی زنی را بنماید، دخول آلت تناسلی مرد در زن به‌زور یا اجبار به‌عنوان بُعد مادی جرم به‌حساب می‌آید. بنابراین اولاً مجرم حتماً مرد باشد و مجنی‌علیه زنی که هنگام وقوع جرم حیات داشته باشد و ثانیاً عمل مادی جرم یعنی دخول کامل آلت تناسلی مرد در آلت تناسلی زن صورت گرفته باشد.

به‌کار بردن عنف یا تهدید با سوء نیت، بُعد معنوی جرم قلمداد می‌شود. تهدید یا عنف باید طوری باشد که برای مجنی‌علیها تصور خوف جانی برود یا وی را به‌نحوی مرعوب سازد که امکان مقاومت در مقابل مجرم را نداشته باشد. تهدید ممکن است مادی یا معنوی باشد، ولی آنچه در این زمینه مؤثر است میزان نفوذ تهدید در روحیه مجنی‌علیها است که وی را وادار به اطاعت نماید (صالح عموم، ۱۳۳۷، ص ۵۱ - ۵۲).

تجاوز جنسی یا هتک ناموس به‌عنف عبارت است از: یک) هجوم متهم یا

مرتکب به یک شخص، که منجر به نفوذ می شود هر چند خفیف، فرق نمی کند از دهانه مقعدی یا تناسلی قربانی با هر جسم یا هر قسمت دیگری از بدن باشد؛ (دو) تهاجم با زور یا تهدید به زور یا اجبار انجام شود، جهت ترس از خشونت، فشار، بازداشت، ستم روانی یا سوء استفاده از قدرت، علیه چنین شخص یا شخص دیگری که قادر به دادن رضایت واقعی نیست؛ سه) این رفتار به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه جمعیت غیر نظامی با آگاهی از حمله انجام شود (PCNICC, 1999, p 6). به تعریف مضیق و موسع تجاوز جنسی اشاره شد، اما امروزه در اسنادی که به این جنایت پرداخته شده، تعریف موسع هتک ناموس به عنف مطرح است؛ یعنی تنها دخول کامل آلت تناسلی مرد به آلت تناسلی زن مورد توجه نیست.

جنایت علیه بشریت اولین بار در منشور نورنبرگ و به تبع آن در منشور توکیو به عنوان یکی از جنایات مهم بین المللی ذکر شده که اینک در کنار سه جنایت مهم بین المللی دیگر، یکی از موضوعات مورد بحث در حقوق بین الملل کیفری و مورد رسیدگی در دیوان بین المللی کیفری است. هتک ناموس به عنف یا تجاوز جنسی اولین بار در جزء (ج) بند ۱ ماده دوم قانون شماره ۱۰ شورای نظارت، در کنار قتل، بردگی، تبعید، زندان، شکنجه و سایر اعمال غیر انسانی، به عنوان جنایت علیه بشریت ذکر شده است.

ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی (سابق)<sup>۱</sup> تحت عنوان جنایات علیه بشریت، خود را مختار می داند که اگر افراد مسئول هنگام درگیری مسلحانه، اعم از بین المللی و داخلی، علیه هر جمعیت غیر نظامی این جنایات را مرتکب شوند، تحت تعقیب قرار می گیرند. در فقره (ز) این ماده، هتک ناموس به عنف یا تجاوز جنسی در کنار بقیه جنایات ذکر شده است.

۱. جنایات علیه بشریت: دادگاه بین المللی این اختیار را خواهد داشت که افراد مسئول جنایات زیر را در صورت ارتکاب در درگیری های مسلحانه، اعم از بین المللی یا داخلی و علیه هر جمعیت غیر نظامی تحت تعقیب قرار دهد: قتل، نابودی، بردگی، اخراج، حبس، شکنجه، تجاوز جنسی، آزار و اذیت به دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی، سایر اعمال غیر انسانی.

ماده ۳ اساسنامه دادگاه رواندا<sup>۱</sup>، نیز تحت عنوان جنایات علیه بشریت در فقره (ز) تجاوز جنسی را ذکر نموده و می‌گوید دادگاه بین‌المللی رواندا این اختیار را دارد که افراد مرتکب این جنایت را به عنوان بخشی از حمله گسترده یا سیستماتیک علیه هر جمعیت غیر نظامی به دلایل ملی، سیاسی، قومی، نژادی یا مذهبی، تحت تعقیب قرار دهد. علاوه بر اسناد مذکور، ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۲</sup> جنایات علیه بشریت را در صورت ارتکاب، بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه هر جمعیت غیر نظامی با آگاهی از آن حمله قابل تحقق می‌داند که عنوان فوق را در جزء (ز) در زمره جنایات علیه بشریت یادآوری نموده است.

به طور مثال، بر اساس حکم دادگاه بین‌المللی رواندا، در پرونده آکایه‌سو، هتک ناموس به‌عنف یا تجاوز جنسی برای اهدافی مانند ارباب، تحقیر، تبعیض، تنبیه، کنترل یا تخریب یک شخص استفاده می‌شود و عبارت است از تهاجم و تعرض فیزیکی بر شخص با ماهیت و خصیصه جنسی که تحت شرایط قهری و اجباری روا داشته می‌شود. ضروری نیست که این تعرض همراه با نزدیکی و آمیزش جنسی باشد، منوط به جزئیات خاص بدن نیست، ممکن است پر خاشگیری به‌شیوه‌ای جنسی باشد برای زیر سؤال بردن حیثیت یک شخص. اگر به تحریک یا با رضایت یا تأیید ضمنی یکی از مقامات قوای عمومی یا شخص دیگری که در مقام و مأموریت عمومی و

۱. جنایات علیه بشریت: دادگاه بین‌المللی رواندا این اختیار را خواهد داشت که افراد مسئول جنایات زیر را در صورت ارتکاب به عنوان بخشی از حمله گسترده یا سیستماتیک علیه هر جمعیت غیر نظامی به دلایل ملی، سیاسی، قومی، نژادی یا مذهبی تحت تعقیب قرار دهد: قتل، نابودی، بردگی، اخراج، حبس، شکنجه، تجاوز جنسی، آزار و اذیت به دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی، سایر اعمال غیر انسانی.

۲. جنایات علیه بشریت: از نظر این اساسنامه، به هر یک از اعمال زیر در صورت ارتکاب بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه هر جمعیت غیر نظامی با آگاهی از حمله: قتل، نابودی، بردگی، اخراج یا انتقال اجباری جمعیت، حبس یا سایر محرومیت‌های شدید از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین‌المللی انجام می‌شود، شکنجه، تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی با شدت قابل مقایسه با آن‌ها، تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی که در بند ۳ تعریف شده است، یا به دلایل دیگر، در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند با هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان که در سراسر جهان به موجب حقوق بین‌الملل غیر مجاز شناخته شده است؛ در سطح جهانی به رسمیت شناخته شده است؛ ناپدید کردن اجباری اشخاص، جنایت آپارتاید، سایر اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد.

رسمی قرار دارد، ارتکاب یابد، عنوان شکنجه نیز خواهد داشت. البته به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک، در مورد جمعیت غیر نظامی و بر اساس دلایل تبعیض آمیز ملی، قومی، سیاسی، نژادی یا مذهبی (AKAYESU, 1998, p 597- 598, MUSEMA, 2000, p 226). لازم نیست که اجبار با نمایش نیروی فیزیکی اثبات شود، ممکن است در قالب ارعاب، اخاذی و سایر اشکال باشد که باعث ترس و ناامیدی می شود و یا در شرایط خاص باشد؛ مثل درگیری مسلحانه یا حضور نظامی اینترهاموه در میان زنان پناهنده تونسسی در یک دفتر و یا اینکه متهم به اینترهاموه دستور داد تا لباس یک دانشجو را در آورد (AKAYESU, 1998, p 688).

شباهت هتک ناموس به عنف با سایر اشکال خشونت جنسی در اجبار آمیز بودن است. اما تفاوت آن که توسط حکم آکایه سو ترسیم شده این است که این عنوان تهاجم و تعرض جسمانی و فیزیکی با ماهیت جنسی است که بر روی یک فرد تحت شرایط اجباری انجام می شود؛ یعنی اخص از تعرض جسمانی است (MUSEMA, 2000, p 227)؛ به عنوان مثال، فرو کردن یک تکه چوب در اندام تناسلی زنی که در حال مرگ است، مصداق هتک ناموس به عنف می باشد (AKAYESU, 1998, p 686).

فرو کردن آلت تناسلی به صورت اجبار در دهان و یا هر جسم دیگری در واژن و مقعد انسان دیگر، به عنوان یک حمله تحقیر آمیز به کرامت انسانی است که نیز می تواند مصداق هتک ناموس به عنف محسوب گردد (MUSEMA, 2000, p 181- 186, FURUNDZIJA, 1998, p 228). همچنین اجبار کردن دو مرد به اینکه آلت تناسلی همدیگر را به نوبت در دهان شان ببرد، به عنوان رفتار غیر انسانی، می شود مصداق دیگری از هتک ناموس به عنف قلمداد کرد (CELEBICI, 1998, p 1065-1066).

در تعریف هتک ناموس به عنف گاهی ملاک مفهومی ترجیح داده شده است، با این باور که چنین تعریفی انعطاف پذیری بیشتری در تعریف جرم مورد بحث به وجود آورده و امکان هماهنگی تطابق با معیارهای در حال تحول عدالت کیفری

راجع به جرائم جنسی را فراهم می‌سازد؛ مثلاً دادگاه رواندا در پرونده آکایه‌سو و دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده سلیسی مورد توجه قرار داده است (MUSEMA, 2000, p 228)، اما دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده فوروندزيجا رویکرد سنتی‌تری (توصیف نحوه تماس مکانیکی اشیاء و اندام‌های بدن) را مناسب دیده و هتک ناموس به‌عنف را چنین تعریف نموده: یک) دخول جنسی هرچند جزئی و خفیف: الف) در واژن یا مقعد قربانی به‌واسطه آلت تناسلی مرتکب یا هر شیء دیگر؛ ب) در دهان مجنی‌علیه به‌واسطه آلت تناسلی مرتکب؛ دو) به شرطی که آن عمل با اجبار و عنف یا با تهدید به‌زور علیه مجنی‌علیه یا شخص ثالث همراه باشد (FURUNDZIJA, 1998, p 185)؛ مجبور کردن دو مرد به تحریک آلت تناسلی یکدیگر از طریق زبان نیز تجاوز جنسی است.

در قوانین اخیرالتصویب انگلستان تجاوز جنسی جرمی است که اولاً مجنی‌علیه زن و هم‌مرد می‌تواند باشد، ثانیاً دخول اجباری آلت تناسلی به دهان مجنی‌علیه را نیز در برمی‌گیرد (نوبهاری‌طهرانی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۵ - ۲۰۶؛ کارمن، ۱۳۹۴، ص ۳۴۳)، بنابراین هتک ناموس به‌عنف تنها به دخول آلت تناسلی مرد در آلت تناسلی زن خلاصه نمی‌شود، هرچند ممکن است با دیدن این عنوان در قدم اول چنین مفهومی به ذهن خوانندگان تبارز پیدا نماید که متهم و مرتکب یک مرد و مجنی‌علیه زن می‌باشد.

نیکلاس دونابت کریستوف، روزنامه‌نگار آمریکایی<sup>۱</sup> می‌نویسد که هنگام بازدید از دارفور در امتداد مرز چاد، به پنج موردی برخوردی که یکی از آن موارد، زنی بود در زیر یک درخت که شوهر و فرزندانش جلوی چشمانش کشته شده بودند و پس از آن خودش مورد تجاوز گروهی قرار گرفته سپس برهنه و مثله شده در بیابان رها شده بود؛ و همچنین تجاوزهای سیستماتیک علیه زنان به‌عنوان یک سلاح جنگی در کنگو صورت گرفته که بیش از دو صد هزار زن و دختر در ۱۲ سال مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند (MUBELO, 2017, p 103-104)، یعنی امثال این موارد را در تاریخ

1. Nicholas DONABET Kristof, an American journalist.

مخصوصاً در دهه‌های اخیر در جریان جنگ‌ها می‌توان نام برد، اما به خاطری که پیگیری آن به ضرر قدرت‌های بزرگ به‌ویژه غربی‌ها است، لذا در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری بررسی نشده‌اند. در این مقاله تمرکز روی بررسی ابعاد جنایات جنسی به‌عنوان جنایت علیه بشریت با تکیه بر مثال‌هایی است که در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری بررسی شده‌اند، لذا از حاشیه‌روی و ذکر مثال‌های رسمی نشده صرف‌نظر شده است.

## ۲. برده‌گیری جنسی (Sexual Slavery)

برده‌گیری جنسی یا برده‌داری جنسی را اولین بار ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، بند ۱، جزء (ز) در شمار جنایات بر ضد انسانیت یا جنایات علیه بشریت، آورده است که تا هنوز در دیگر منابع مدوّن حقوق بین‌المللی کیفری، چنین حکمی دیده نمی‌شود. برده‌گیری جنسی عبارت است از اینکه: یک (متهم از قدرتی استفاده کند که به حق مالکیت بر یک یا اشخاصی مربوط شود؛ مانند خرید، فروش، قرض دادن یا مبادله چنین شخص یا افرادی، یا با تحمیل محرومیت مشابه بر آن‌ها؛ دو) متهم این شخص یا افرادی را به انجام یک یا چند عمل جنسی وادار بسازد؛ سه) این رفتار به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه هر جمعیت غیر نظامی با آگاهی از حمله انجام شود (PCNICC, 1999, p 6).

بعد مادی این جرم، این است که اعمال حق مالکیت، اعمال انواع کنترل‌ها بر روی شخص و استفاده یا تهدید به خشونت باید صورت گرفته باشد و همچنین لازم است تا شخص در آن زمان نتوانسته باشد به‌صورت داوطلبانه تصمیم‌گیری نماید، علاوه بر این‌ها، مرتکب یا مرتکبین این جرم سبب آن شده باشد که قربانیان به یک یا چند عمل جنسی دست بزنند. بعد معنوی عبارت است از اینکه مرتکب قصد اعمال قدرت بر حق مالکیت یک یا چند نفر داشته باشد و سبب رفتاری شود که شخص یا اشخاصی دست به اقداماتی از نوع جنسی بزنند و از این مسئله که در جریان عادی این حوادث، اقدامات جنسی صورت می‌گیرد، آگاهی داشته باشد

(پورهاشمی و چوبین، ۱۴۰۰، ص ۱۱۵ و ۱۱۶).

در پرونده فوکا (پرونده دادستان علیه دراگولجوب، کوواک و ووکویچ، ۲۰۰۱)، دادگاه یوگسلاوی سابق تجاوز جنسی را به عنوان جنایت علیه بشریت معرفی نموده است و اتهام متهمان را برده‌گیری جنسی برشمرده است، بدون اینکه تعریفی از آن ارائه بکند. زنان در خانه‌ها، آپارتمان‌ها، سالن‌های ورزشی و یا مدارس مختلف به صورت اسیر نگهداری می شدند و توسط سربازان مورد آزار جسمی یا تجاوز جنسی قرار می گرفتند. شاهدان متعددی اظهار داشته‌اند که گهگاه چندین بار در روز سربازان و پلیس به زن‌ها و دختران اشاره یا صدا می کردند و برای تجاوز به اتاق دیگر انتقال می دادند. زنان چاره‌ای جز اطاعت از آن مردان نداشتند و اگر سعی در مقاومت می کردند در پیش چشمان زنان دیگر مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند. سربازان گاهی باهم به صورت گروهی تجاوز می کردند و در بعضی موارد زنان به سرباز خاصی منسوب می شد و از سوی آن فرد خاص مکرراً مورد تجاوز جنسی قرار می گرفتند؛ یعنی به یک نحوی زنان و دختران مجبور به پذیرش این نوع بردگی می شدند. زنان در حبس بودند و اجازه نداشتند با دنیای بیرون تماس داشته باشند (FOCA, 2001, p 28 - 43). برخی از حقوقدانان مصادیق بردگی جنسی را شامل خرید، فروش، کرایه دادن، معاوضه و اعمال مشابه به منظور وادار کردن به اعمال جنسی محکوم کرده‌اند (صالحی، ۱۳۹۵، ص ۲۱).

قاچاق جنسی (Sex Trafficking)، تورسیم جنسی (Sex Tourism)، ازدواج اجباری کودکان (Forced Child Marriage)، هرزه‌نگاری (Pornography) و فحشای اجباری کودکان (Forced Child Prostitution) همگی از مصادیق بردگی جنسی هستند. در قاچاق انسان، فرد را به منظور سوءاستفاده جنسی و بهره‌کشی از کشور خودش به کشور دیگر منتقل می کنند، در حالی که در تورسیم جنسی شخص مشتری، خودش به کشور موردنظر می آید. تأثیر گسترش تورسیم یا گردشگری جنسی در دامن زدن به پدیده شوم فحشا نقض آشکار حقوق بشر است. از سوی دیگر، زمانی که منطقه‌ای تبدیل به مقصد گردشگران جنسی شد، آن محل جاذبه‌ای



ویژه برای قاچاقچیان انسان نیز پیدا می‌کند (اسلامی و میریان، ۱۳۹۴، ص ۱۳). ازدواج‌های اجباری در بیشتر موارد، بدون رضایت کودک و نوجوان صورت می‌گیرد و حتی اجازه اظهارنظر را ندارد و در مواردی که کودک به‌ظاهر رضایت خود را اعلام می‌کند در بیشتر موارد بر اساس خواست دیگران، چه از طریق خشونت‌های جسمی و روحی و چه با فریب دادن کودک صورت می‌گیرد. هرزه‌نگاری کودکان شکل جدیدی از بردگی جنسی است، استفاده روزافزون از فناوری‌های پیشرفته مانند رایانه، دوربین‌های ویدیویی دستی، ویدیوهای ضبط، ادیت‌های خانگی، سیستم‌های گرافیکی کامپیوتری، اینترنت و... موجب تسهیل ایجاد و توزیع هرزه‌نگاری کودکان می‌شود. فحش‌های اجباری کودکان، استفاده از آن‌ها در فعالیت‌های جنسی در ازای پرداخت وجه و یا مسائل دیگر می‌باشد (اسلامی و میریان، ۱۳۹۴، ص ۱۶، ۱۹ و ۲۵).

بردگی جنسی یک شکل خاص از بردگی است. برده‌داری با بردگی جنسی یکسان است، شرط اضافی این است که مرتکب، قربانی را وادار به انجام یک یا چند عمل جنسی کرده است؛ از برجسته‌ترین مثال‌های موجود در این زمینه، «ایستگاه‌های آسایش و راحتی» متعلق به نیروهای ژاپنی در جنگ دوم جهانی و نیز «اردوگاه‌های تجاوز جنسی» در یوگسلاوی سابق هستند. به بردگی گرفتن افراد در مکان‌های مذکور، به‌وضوح نمادی از بردگی جنسی است (Cryer et al, 2010, p 256).

این موضوع از گذشته وجود داشته و در عصر کنونی شکل مدرن به خود گرفته است. زن یا مردی که به بردگی گرفته شده، توسط افراد مختلف به‌ویژه ارباب یا شخص بالاسر خود مورد آزار جنسی به اشکال گوناگون از قبیل کتک‌زدن، آویزان کردن با اعضای بدن، شلاق‌زدن، تجاوز دسته‌جمعی و... قرار می‌گیرد. اربابان عموماً افراد دارای بیماری‌های روانی-جنسی هستند، چراکه روابط جنسی آزاد بیش‌ازحد برای آن‌ها وجود داشته که دیگر این افراد را ارضاء نمی‌تواند؛ لذا برای رسیدن به هدف از چنین راه‌های وارد می‌شوند (شادمانی، ۱۳۹۶، ص ۷۸).

علاوه بر آنچه بیان شد، دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده بریما و دیگران، شواهد

پذیرفته‌شده را حاکی از اثبات مالکیت قربانی به‌عنوان همسر تلقی می‌کند؛ در این پرونده، دادگاه به شواهدی دست‌یافت که در مجموع تمامی مدارکی که توسط دادستانی به‌عنوان اثبات ازدواج اجباری ارائه شده، به اثبات عناصری می‌رسد که در جرم بردگی جنسی قرار دارند که شامل ربودن اجباری دختران و زنان از خانه‌های‌شان یا سایر پناهگاه‌ها و بازداشت آن‌ها توسط نیروهایی که در مناطق مختلف حمله می‌کردند و در حال حرکت بودند. دختران و زنان برخلاف میل‌شان به‌عنوان همسر توسط شورشیان گرفته می‌شدند. شواهد نشان داد که رابطه مرتکبین با همسران‌شان نوعی رابطه‌ای مالکیتی بوده و شامل اعمال کنترل مرتکب بر قربانی، از جمله کنترل تمایلات جنسی، حرکتی و کاری قربانی می‌شود. به‌عنوان مثال، انتظار می‌رفت که همسر، در زمانی که شورشیان از مکانی به مکان دیگر می‌رفتند، دارایی‌های آن‌ها را حمل کند تا برای‌شان غذا بپزند و لباس آن‌ها را بشویند. دادگاه به این نتیجه رسیدن که استفاده از عبارت همسر توسط مرتکب در مورد قربانی نشان‌دهنده قصد مرتکب از اعمال مالکیت بر قربانی است و نه قصد داشتن ازدواج یا شبه ازدواج با قربانی که تعهدات متقابل در رابطه زن و شوهر ایجاد می‌کند. در واقع، درحالی‌که رابطه شورشیان با همسران خود به‌طورکلی یک رابطه مالکیت انحصاری بود و به تشخیص مرتکب می‌توان قربانی را منتقل کرد یا به شورشی دیگر داد (SCSL, 2007, p 711).

### ۳. به فحشا واداشتن (Enforced Prostitution)

به فحشا واداشتن مصداق دیگری از جنایات جنسی به‌عنوان جنایت علیه بشریت است که در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در بند ۱، جزء (ز) به آن اشاره شده است. هرگونه معاشرت و یا رفتار با زنان که در چارچوب دادوستد مادی و انتفاعی و یا استفاده از زور و تهدید جهت واداشتن زنان به فحشا صورت گیرد، جزو اقدامات تجارت جنسی زنان و گسترش فحشای اجباری به‌شمار می‌رود (مولاوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰).

به فحشا واداشتن عبارت است از اینکه: یک متهم باعث شده یک یا چند نفر

به یک یا چند عمل جنسی پردازند، با زور، یا با تهدید به زور یا اجبار، مانند آنچه ناشی از ترس از خشونت، اجبار، بازداشت، ستم روانی یا سوءاستفاده از قدرت، علیه چنین شخص یا افرادی یا شخص دیگری، با سوءاستفاده از محیط اجباری که چنین شخصی یا افرادی در دادن رضایت واقعی ناتوان است؛ دو) متهم یا شخص دیگری که مال یا غیر آن را به دست آورده یا انتظار مزیت دیگری در ازای اعمال جنسی یا در ارتباط با آن را، دارد؛ سه) این رفتار به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه هر جمعیت غیر نظامی با آگاهی از حمله صورت گرفته است (PCNICC, 1999, p 7).

این جنایت هم دو بعد مادی و معنوی دارد، چراکه اولاً بایستی در فضای اجبارگونه صورت گرفته باشد و مرتکب یا شخص دیگری مزایایی ویژه یا سایر مزایا را در ازای اقدامات جنسی یا در ارتباط با آن به دست آورده باشد. ثانیاً، مرتکب بایستی قصد داشته باشد که سبب شرکت یک یا چند نفر در یک یا چند عمل جنسی شود و آگاهی داشته باشد که در پی روند عادی وقایع، این اتفاق خواهد افتاد. همچنین، تحصیل مزایا توسط شخص مرتکب یا شخص دیگری یا آگاهی از امکان تحصیل مزایا نیز برای تحقق این جرم لازم می باشد (Means of Proof, 2017, p 59).

ویژگی این جنایت این است که مرتکب جرم یا شخص ثالثی در عوض یا در ارتباط با رفتارهای جنسی مجنی علیه نفع مالی یا امتیاز دیگری به دست می آورد، مثلاً زنان موسوم به زنان خوشی که نیروهای ژاپنی در خلال جنگ دوم جهانی جهت برقرار ساختن رابطه جنسی با سربازان ژاپنی آنان را مجبوس کرده بودند و به چنین کاری وامی داشتند (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳، ص ۲۱۵). دادگاه نظامی موقت هلند در باتاویا در پرونده شماره ۷۶ ثابت کرد که متهم قربانیان را مجبور به اعمال تن فروشی کرده است؛ در این پرونده روشن شده است که متهم یک بلوک از خانه ها را اجاره و یک فاحشه خانه در آن باز کرده بود، این مکان به کلپ ساکورا معروف و مختص شهروندان و غیر نظامیان ژاپنی بود. دستیار وی در کار فاحشه خانه زنی بود که از سال ۱۹۴۳ با او زندگی می کرد؛ با کمک آن، دختران در رستوران جذب می شدند

تا به عنوان پیش خدمت کار کنند و سپس به تدریج مجبور به انجام فحشا با مشتریان می شدند که در ابتدای کار دختران از وجود فاحشه خانه بی خبر بودند. دختران تهدید و حتی برخی به شدت مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند و مجبور بودن که هر دختر در هر شب مبلغ مشخصی را کسب کنند و حداقل سه بازدیدکننده را پذیرا شوند. در میان کسانی که به این ترتیب مجبور به تن فروشی شدند دختران ۱۲ و ۱۴ ساله هم وجود داشته اند (Batavia, 1946, p 122-123).

#### ۴. اجبار به حاملگی (Forced Pregnancy)

در جزء (ز) بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، اجبار به حاملگی یا بارداری اجباری نیز به عنوان جنایت علیه بشریت ذکر شده است. جزء (و) بند ۲ ماده ۷ مذکور در تعریف آن چنین می گوید: حبس کردن غیر قانونی زنی که به زور حامله شده است، به قصد تأثیرگذاری بر ترکیب قومی یک جمعیت یا ارتکاب دیگر نقض های فاحش حقوق بین الملل.

با این حال، این تعریف به هیچ وجه نباید طوری تفسیر شود که بر قوانین داخلی کشورها مربوط به حاملگی تأثیر بگذارد. حاملگی اجباری: یک) متهم یک یا چند زن را حبس کرده است؛ دو) چنین زن یا زنانی به زور باردار شده اند؛ سه) متهم قصد داشت زن یا زنان را باردار نگه دارد تا بر ترکیب قومی یک جمعیت تأثیر بگذارد با انجام نقض فاحش قوانین بین المللی؛ چهار) این رفتار به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه هر جمعیت غیر نظامی با آگاهی از حمله انجام شده است (PCNICC, 1999, p 7).

جنایات در یوگسلاوی سابق و رواندا انگیزه ای برای حمایت و حفاظت بهتر از زنان در زمان منازعه بودند، از جمله جرم انگاری حاملگی اجباری بخشی از این تلاش ها است. پس از درگیری در بوسنی بین سال های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ ادعا شده بود که صرب ها به عنوان بخشی از یک برنامه سیستماتیک زنان کروات و مسلمان را مجبور به بچه دار و باردار شدن از صرب کردند. پس از نسل کشی رواندا در سال

۱۹۹۴، دفتر ملی جمعیت تخمین زده است که قربانیان تجاوز جنسی حدود ۲۰۰۰ الی ۵۰۰۰ نفر بچه‌های نفرت را به دنیا آوردند. این ظلم‌ها بود که جهت حفاظت بیشتر از زنان اساسنامه رم شکل گرفت (Drake, 2012, p 595-596).

گنجانیدن حاملگی اجباری موضوع بحث‌های شدید در مذاکرات اساسنامه ICC بود. قبلاً در اسنادی مانند اعلامیه وین و برنامه اقدام آن و همچنین در بیانیه پکن و طرح اجرایی آن به رسمیت شناخته شده بود. مسئله، مربوط به وارد آوردن آسیب خاص به زنان در جریان درگیری‌ها در یوگسلاوی سابق بود. بنا به اظهارات مرتکبان و اسیرکنندگان آن‌ها، با حامله نمودن و حبس زنان، امکان سقط جنین را از آن‌ها می‌گرفتند تا به ناچار کودکانی از یک گروه قومی غالب به دنیا آورند. با این حال، برخی از هیئت‌ها و نمایندگان دولت‌ها نگران بودند که این مفهوم ممکن است منجر به زیر سؤال رفتن آن دسته از نظام‌های داخلی شود که در آن‌ها حق سقط جنین، به علت مغایرت با دستورات مذهبی و مقررات حقوق اساسی به رسمیت شناخته نشده است. ولی این نکته مورد توافق همگان قرار گرفت که بحث حق سقط جنین در مباحث حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته و جزء مباحث جنایت علیه بشریت نیست. توافق مذکور منجر به ارائه تعریف ذکر شده در جزء (و) بند ۲ ماده ۷ اساسنامه ICC گردید (Cryer et al, 2010, p 257). بنابراین ممنوعیت حاملگی اجباری به عنوان جنایت علیه بشریت، به معنای پذیرش آزادی سقط جنین در سراسر جهان نبوده و صلاحیت کشورها را راجع به تنظیم مقررات مربوط به کنترل زادوولد و سقط جنین بر اساس اصول بنیادین فلسفی یا مذهبی خودشان محدود نمی‌سازد. حاملگی اجباری حداقل در ذیل دو دسته از سه دسته جرایمی قرار می‌گیرد که داخل در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری است؛ یعنی جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی. به عقیده برخی از حقوق‌دانان حاملگی اجباری طبق اساسنامه رم نیز می‌تواند به عنوان نسل‌زدایی شناخته شود (Drake, 2012, p 598).

باتوجه به سه رکن که اولی مربوط به تعریف حاملگی اجباری و دو رکن بعدی، از ارکان ویژه جنایت علیه بشریت هستند، دادستان باید دو سطح متفاوت از قصد

را ثابت کند: ۱. قصد اثرگذاری بر ترکیب قومی و ایجاد دیگر نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل؛ ۲. قصد ارتکاب رفتار به‌گونه‌ای که بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی باشد. با وجود چنین قصدی، اثبات این امر که اشخاص حقیقی (غیرسازمانی یا غیردولتی)، این عمل را با هدف اثرگذاری بر ترکیب قومی انجام داده‌اند، دشوار به‌نظر می‌رسد. لذا برخی حقوق‌دانان معتقدند مرتکبانی که قصد اثرگذاری بر ترکیب قومی را دارند، ممکن است همان کسانی باشند که تنها دستورها را صادر می‌کنند و نه لزوماً افرادی که رکن مادی جرم را مرتکب می‌شوند. از این‌رو، کسانی که دستورها را صادر می‌کنند، ممکن است رکن معنوی را داشته باشند، ولی چون خود، مرتکب رفتار مجرمانه نمی‌شوند؛ فاقد رکن مادی هستند و از این جهت مسئولیتی در قبال حبس غیرقانونی زنی که به اجبار باردار شده است، نخواهند داشت.

درمقابل، آنهایی که از دستورات تبعیت کردند، فاقد رکن معنوی هستند و تنها مرتکب رکن مادی جرم شده‌اند. در نتیجه، چون در هر دو وضعیت، ارکان جرم در کنارهم تحقق نیافته‌اند، مسئولیتی متوجه عامل یا عاملین جنایت نخواهد بود. چنین وضعیت به سربازان اجیرشده اجازه می‌دهد که بدون ترس از عواقب اعمال خود، مرتکب حبس غیرقانونی زنان باردار شوند. در پاسخ به این ایراد باید گفت منظور از علم به حمله در قسمت آخر بند ۱ ماده ۷ اساسنامه رم، آگاهی یا قصد ارتکاب رفتار مجرمانه گسترده یا سازمان‌یافته نیست، بلکه همین اندازه که مرتکب بداند رفتار مجرمانه در جریان یا چارچوب یک جنایت علیه بشریت اتفاق می‌افتد و به ارتباط میان رفتار ارتكابی خود و حمله گسترده، علم اجمالی داشته باشد کافیست؛ بدون اینکه در جریان جزئیات حملات یاد شده قرار گرفته باشد.

همچنین با توجه به اینکه مطابق ماده ۳۳ اساسنامه، امر آمر در دستور ارتکاب جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی پذیرفته نبوده و اصل بر مسئولیت مطلق مرتکب است، لذا اگر دستور از سوی یک نفر و بارداری اجباری و حبس غیرقانونی به‌وسیله شخص دیگری اتفاق افتد، عمل ارتكابی باز هم جنایت علیه بشریت خواهد بود.

هرچند وقوع جنایت ضد بشری از طریق حاملگی اجباری بر اساس این استدلال ممکن است با ایراد یاد شده مواجه نشود، ولی ناگفته پیداست لزوم تحقق دو سطح متفاوت از قصد که مربوط به تعریف خود حاملگی اجباری است، در کنار لزوم اثبات گستردگی یا سازمان یافتگی مورد نیاز برای وقوع جنایت ضد بشریت، در عمل دادستان را با چالش‌های بسیاری روبرو می‌سازد (صابر و میرمجیدی هُشجین، ۱۳۹۲، ص ۱۰۹ و ۱۱۰). بیان شد که این عنوان در ذیل سه جنایت قرار می‌گیرد؛ چون در این پژوهش اجبار به حاملگی به عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت مد نظر است، لذا از بررسی آن به عنوان جنایت جنگی و نسل‌زدایی صرف نظر شده است.

#### ۵. عقیم‌سازی اجباری (Enforced Sterilization)

اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری اولین معاهده‌ای است که عقیم‌سازی اجباری را در جزء (ز) بند ۱ ماده ۷ به صراحت به عنوان جنایت علیه بشریت، به رسمیت می‌شناسد. این رفتار قبلاً در چارچوب آزمایش‌های پزشکی غیرقانونی مانند آنچه در طول جنگ جهانی دوم انجام و مشاهده شدند، تحت پیگرد قانونی قرار گرفته است. عناصر جرم ICC، اولین سند حاوی تعریف از این جرم است. عناصر جنایت عقیم‌سازی اجباری عبارتند از اینکه: یک) مرتکب یک یا چند نفر را از قابلیت تولید مثل بیولوژیکی محروم نماید؛ دو) این رفتار با درمان پزشکی یا بیمارستانی فرد توجیه پذیر نبوده و نه با رضایت واقعی آن همراه باشد. این تعریف تنها محدود به اعمال پزشکی نیست، بلکه می‌تواند شامل استفاده عمدی از مواد شیمیایی نیز باشد. مفهوم «رضایت واقعی» رضایت حاصل از فریب را مستثنی می‌کند و رضایتی که با خدعه و فریب همراه باشد در بر نمی‌گیرد. عقیم‌سازی اجباری می‌تواند الزامات رفتاری نسل‌کشی (ذکر شده در بند (ه) ماده ۶ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری) را نیز برآورده کند و در جایی که هدف قتل عام وجود داشته باشد؛ به مثابه جرم نسل‌کشی قلمداد خواهد شد (Cryer et al, 2010, p 257-258).

چین در ارتباط با این عنوان نگرانی جدی دارد چون این کشور جهت کنترل رشد جمعیت خود، سیاست تک فرزندی را پیش گرفته است، بنابراین پیشنهاد کرد، تدابیر کنترل زاد و ولد نباید با روش‌های عقیم‌سازی اجباری که به موجب اساسنامه ICC، جرم شناخته شده است، یکسان قلمداد گردد؛ روش‌هایی هستند که «اثر غیر دائمی دارند»، نه آنچنان که در پیش‌نویس موجود عناصر تشکیل‌دهنده جرائم ذکر شده بود، صرفاً روش‌هایی که «اثر کوتاه‌مدت دارند». این پیشنهاد چین مورد استقبال اسرائیل، یونان و مکزیک قرار گرفت، در مقابل هیئت‌های نمایندگی کانادا و آلمان، هر نوع اشاره به روش‌های کنترل زاد و ولد را نامطلوب می‌دانستند. به باور این دسته در مفهوم لغوی کلمه، قید چنین عباراتی، اصل جرم مورد نظر را زیر سؤال می‌برد، چون عقیم‌سازی همان «روش‌های کنترل زاد و ولد» است و تفاوتی با آن ندارد. سرانجام با مصالحه، عبارت «روش‌هایی که در عمل اثر غیردائمی دارند» مورد توافق قرار گرفت تا دیوان آزادی عمل کافی داشته باشد که مشخص کند آیا روش مورد نظر برای کنترل زاد و ولد، عملاً به محرومیت دائمی از قابلیت زیستی تولیدمثل منجر می‌شود یا نه (کیتی‌شیایزری، ۱۳۸۳، ص ۲۱۶ و ۲۱۷).

عنصر مادی این جرم عبارت است از اینکه این عمل در ارتباط با معالجه پزشکی یا بیمارستانی شخص یا اشخاص و با رضایت واقعی آن‌ها صورت نگرفته باشد؛ اما عنصر معنوی آن است که مرتکب قصد محروم کردن یک یا چند نفر را داشته باشد، بدون توجیه پزشکی از ظرفیت تولیدمثل بیولوژیکی، نسبت به این موضوع که یک یا چند نفر در روند عادی این وقایع از توانایی تولیدمثل بیولوژیک محروم خواهند شد، آگاهی داشته باشد (Means of Proof, 2017, p 81). دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ شواهد عقیم‌سازی و اخته را در این مخاصمات پذیرفت و اعلام کرد که یک پزشک فرانسوی یهودی تبار که از سپتامبر ۱۹۴۳ تا ژانویه ۱۹۴۵ در آشویتس محبوس بود، شهادت داد که در نزدیکی محل نگهداری ما، اردوگاه بیرکناو بود که در آن جا مردم توسط پزشکان اس اس عقیم می‌شدند (پورهاسمی و چوبین، ۱۴۰۰، ص ۱۱۸).



## ۶. خشونت جنسی (Sexual Violence)

بعد از ۵ عنوان قبلی جنایات جنسی، خشونت جنسی نیز در جزء (ز) بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت بر ضد انسانیت یا جنایت علیه بشریت به‌شمار می‌رود. خشونت جنسی در یک تعریف ساده به‌معنای تماس جنسی بدون رضایت می‌باشد (نوبهارى طهرانى، ۱۳۹۳، ص ۴۵)؛ هرگونه خشونت جسمی یا روانی که با مقاصد جنسی صورت گیرد یا اهداف جنسیتی را مدنظر قرار دهد. خشونت جنسی هر دو نوع حملات فیزیکی و روانی با ویژگی‌های جنسیتی افراد را در بر می‌گیرد؛ مانند اجبار شخص به‌برهنه شدن در ملاء عام، مثله کردن اندام تناسلی فرد یا بریدن سینه‌های زن. خشونت جنسی در موقعیت‌هایی که در آن دو قربانی مجبور به انجام اعمال جنسی با یکدیگر یا آسیب رساندن به یکدیگر و یا دیگر اعمال به‌شیوه جنسی می‌شوند نیز دیده می‌شود (Cryer et al, 2010, p 258).

بر اساس آنچه از سوی دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده فوروندزيجا توضیح داده شده است، روشن می‌شود که حقوق بین‌المللی کیفری، نه تنها تجاوز جنسی را بلکه تمامی سوء رفتارها و آزارهای جدی با ماهیت جنسی را که نسبت به تمامیت جسمانی یا اخلاقی کسی از طریق اجبار، تهدید به زور یا ارباب به‌نحوی که تحقیرکننده و مغایر با کرامت قربانی است، روا داشته می‌شود، ممنوع و قابل مجازات می‌شمارد (FURUNDZIJA, 1998, p 186).

دادگاه رواندا نیز در پرونده آکایه‌سو هر عملی با ماهیت جنسی را که علیه شخص تحت شرایط اجبار آمیز صورت گیرد؛ جزء خشونت جنسی به‌شمار آورده است ولو اینکه آن اعمال با دخول و حتی تماس فیزیکی همراه نباشند، مثلاً اقدام به عریان کردن یک زن به‌صورت اجبار تا حرکات ژیمناستیک را بدون لباس در محوطه عمومی و در حضور جمعیت انجام دهد مصداقی از خشونت جنسی است. البته با وجود شرایط ذیل: یک) به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده و سیستماتیک؛ دو) علیه جمعیت غیر نظامی؛ سه) براساس دلایل تبعیض آمیز ملی، قومی، سیاسی، نژادی یا مذهبی (AKAYESU, 1998, p 598- 688).

خشونت جنسی شامل هر نوع خشونت علیه زنان، دختران، پسران و مردان است که بر اساس تفاوت‌های اجتماعی به آن‌ها نسبت داده می‌شود، از قبیل هر نوع آسیب فیزیکی، روانی، جنسی و یا تهدید. زنان و دخترانی که در طول مخاصمات قربانی خشونت جنسی قرار می‌گرفتند، شامل آدم‌ربایی (Kidnap)، تجاوز به عنف، ازدواج اجباری، حاملگی اجباری، بهره‌کشی جنسی (Sexual Exploitation)، قطع عضو جنسی (Genital Amputation)، برده‌گیری جنسی، روسپی‌گری اجباری (Forced Prostitution)، قاچاق به منظور بهره‌کشی جنسی و بچه‌پروری اجباری (Forced Parenting) بودند (صالحی، ۱۳۹۵، ص ۱۸ و ۲۰). مزاحمت جنسی (Sexual Harassment) نیز یکی از اشکال خشونت جنسی و تبعیض علیه زنان است که با افزایش احساس ناامنی موجب ترس زنان از حضور در جامعه و در نهایت محدود شدن آزادی‌های فردی و کاهش مشارکت اجتماعی زنان می‌شود (صالحی، ۱۳۹۵، ص ۱۵ و ۱۶).

خشونت‌های جنسی علیه زنان در ماده<sup>۱</sup> ۳۷ و ۴۴<sup>۲</sup> قانون موسوم به کد لیر «Code Liber» ۱۸۶۳ م، ممنوع اعلان شد. مقررات لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ م، به‌ویژه ماده<sup>۳</sup> ۴۶ آن به‌صورت ضمنی نه صریح به ممنوعیت جرم‌های جنسی اشاره نموده است. خشونت جنسی در طول هردو جنگ جهانی، به‌ویژه در طول جنگ جهانی دوم علیه زنان بدون هیچ ممنوعیتی به وقوع پیوست، دادگاه توکیو و دادگاه نورنبرگ که برای محاکمه جنایات جنگی جنگ جهانی دوم راه‌اندازی شدند، تنها خشونت‌های جنسی را به‌طور کلی در اساسنامه خود به رسمیت شناختند. با وجود اهمیت خشونت‌های جنسی به‌ویژه در طول جنگ جهانی دوم، حتی واژه تجاوز هم

۱. ایالات متحده در کشورهای متخاصم تحت اشغال خود موارد ذیل را به رسمیت می‌شناسد و محافظت می‌کند: دین و اخلاق، دارایی کاملاً خصوصی، افراد ساکن، به‌ویژه زنان، و مقدس بودن روابط خانوادگی، مرتکبین جرائم خلاف آن به شدت مجازات خواهد شد.

۲. تمام خشونت‌های عمدی که علیه افراد در کشور مورد تهاجم صورت می‌گیرد، تمام تخریب‌های اموالی که توسط افسر مجاز فرمان داده نشده است، تمام سرقت، غارت، حتی پس از آن گرفتن مکان با زور اصلی، تمام تجاوز، زخمی کردن، معلول کردن یا کشتن این قبیل ساکنان، با مجازات اعدام یا هر مجازات شدید دیگری که کافی به نظر می‌رسد ممنوع است.

۳. عزت و حقوق خانوادگی، جان اشخاص، اموال شخصی، اعتقادات و اعمال دینی باید رعایت شود، اموال خصوصی قابل مصادره نیست.

به منزله مهم‌ترین شکل خشونت جنسی، در آرای دادگاه نورنبرگ مشاهده نشده است (Drake, 2012, p 599-600).

پس از جنگ جهانی دوم و شاید در پاسخ به خشونت جنسی گسترده در طول این جنگ، کنفرانس ژنو در سال ۱۹۴۹، در دو جلسه خشونت جنسی علیه زنان را ممنوع کرد. ممنوعیت ضمنی و مبهم خشونت جنسی علیه زنان در ماده ۱۴<sup>۱</sup> از سومین کنوانسیون ژنو، ممنوعیت صریح خشونت علیه زنان مخصوصاً تجاوز جنسی، فحشای اجباری و دیگر شکل‌های اذیت و آزارهای ناشایست به منزله تعدی و تجاوز به تمامیت روحی زنان، علیه شرافت یا حیا در ماده ۲۷<sup>۲</sup> از چهارمین کنوانسیون ژنو؛ ممنوعیت صریح فاحشگی اجباری و سایر شکل‌های اذیت و آزارهای ناشایست در هر زمان و مکان در ماده ۷۵<sup>۳</sup> و ۷۶<sup>۴</sup> پروتکل الحاقی یک و دو به کنوانسیون ژنو در سال ۱۹۷۷ م را می‌توان مهم‌ترین اقدام‌های صورت گرفته پس از جنگ‌های جهانی در راستای محافظت از زنان در برابر اعمال خشونت جنسی قلمداد کرد (Drake, 2012, p 600-601). علاوه بر آن چه ذکر شد، مخاصمات یوگسلاوی سابق و رواندا از وقایع مهمی هستند که موجب تحول در نظام حقوق بین‌الملل کیفری به‌ویژه در زمینه خشونت‌های جنسی گردید.

در پی اعمال خشونت‌های جنسی به زنان یک گروه یا یک جامعه، اهداف

۱. زندانیان جنگی در هر شرایطی مستحق احترام به شخصیت و عزت‌شان هستند، با زنان باید با توجه به جنسیت‌شان با تمام احترام رفتار شود و در همه موارد باید رعایت گردد.

۲. ... زنان باید به‌طور ویژه در برابر هرگونه تجاوز به عزت و شرفشان، به‌ویژه در برابر تجاوز جنسی، فحشای اجباری، یا سایر اشکال و آزارهای ناشایست دیگر محافظت شوند.

۳. ... هیچ گونه تمایز نامطلوب بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب یا عقیده، عقیده سیاسی یا عقاید دیگر، ملی یا اجتماعی، مبدأ، ثروت، تولد یا وضعیت دیگر یا هر معیار مشابه دیگری، هر طرف باید به شرافت و اعتقادات مذهبی شخص احترام بگذارد. اعمال زیر در هر زمان و در هر مکان ممنوع بوده و خواهد بود، چه توسط عوامل نظامی یا غیرنظامی انجام شده باشد: الف) خشونت علیه جان، سلامتی یا رفاه جسمی یا روانی افراد، به خصوص: قتل؛ هر نوع شکنجه اعم از جسمی یا روحی؛ تنبیه بدنی و مثله کردن. ب) توهین به حیثیت شخصی، به ویژه تحقیر، فحشای اجباری و هر نوع تجاوز ناشایست.

۴. حمایت از زنان: یک) زنان باید مورد احترام خاص و حمایت قرار گیرند؛ به‌ویژه در برابر تجاوز جنسی، فحشای اجباری و هر نوع دیگر از اعمال ناشایست. دو) زنان باردار و مادران دارای نوزاد تحت تکفل که به دلایل درگیری مسلحانه دستگیر و بازداشت می‌شوند، باید پرونده‌های آن‌ها با بیشترین اولویت بررسی شود. سه) تا حد امکان، طرف‌های درگیر باید تلاش کنند، برای جلوگیری از صدور حکم اعدام برای زنان باردار یا مادرانی که نوزادان وابسته دارند.

استراتژیک نهفته است و از این طریق به وحشت، تضعیف روحیه و قوای آن گروه پرداخته می‌شود و قربانیان تجاوز، عامل شرمندگی و تحقیر جامعه خود محسوب می‌گردند. در خشونت‌های جنسی در زمان جنگ، مانند سایر خشونت‌های جنسی دیگر، عمدتاً مردان به زنان تجاوز می‌کنند که این موضوع حاکی از اعمال قدرت مردان بر زنان و قدرت‌نمایی مفهوم مردانگی است که به‌نحوی برتری یک جنس بر جنس دیگر را بازگو می‌کند؛ از طرف دیگر، عواقب این نوع جنایات تنها در زمان جنگ خلاصه نمی‌شود، بلکه پس از زمان جنگ نیز دیدگاه‌های مردسالارانه بر زندگی زنان تأثیر گذاشته و سبب فروپاشیدگی روابط خانوادگی و عدم پذیرش آن‌ها در جوامع می‌شود، به قسمی که لکه‌نگ به حساب می‌آیند، بنابراین بسیاری از این زنان در حین مخاصمات مسلحانه یا پس از آن، توسط اعضای خانواده خود به قتل می‌رسند.

در مجموع، شاید نتوان ناعدالتی‌های جنسی را اولین هدف در زمینه این جنایات دانست، اما می‌توان اذعان داشت که این نابرابری‌ها، خشونت‌های جنسی را حتی پس از پایان جنگ‌ها عادی می‌نماید، سکوت و سهل‌انگاری در مقابل این جنایات، شدت این فجایع را بیشتر می‌سازد؛ لذا بررسی بسترهای اجتماعی خشونت‌های جنسی برای کاهش و یا رفع آنان در زمان صلح امر لازم و ضروری است (پورهاشمی و چوبین، ۱۴۰۰، ص ۱۱۲).

در زمان اشغال عراق، در منطقه حفاظت شده سبز بغداد، خانه‌های فساد (Houses of Corruption) با مدیریت آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها ایجاد شدند که خشونت‌های جنسی زیاد در آن‌جا به‌وقوع پیوسته‌اند، برخی از آن‌ها عبارت بودند از: یک) خشونت علیه زنان (Violence Against Women) که ۱۸۰۰ قطعه عکس برداشته شده از مردان و زنان برهنه در اشکال گوناگون به‌وسیله نیروهای نظامی آمریکا در زندان ابوغریب، تجاوز گسترده به زنان در بند ابوغریب و دیگر موارد، خشونت جنسی را تأیید می‌کند؛ مثلاً تجاوز به زن عراقی در برابر چشمان همسرش که آن زن مجبور شد پس از آزادی از زندان خودکشی (Suicide) نماید. دو) خشونت علیه

مردان (Violence Against Men) در زندان ابوغریب، خشونت‌های جنسی نظامیان زن آمریکایی علیه مردان اسیر دربند، مثلاً برهنه کردن مردان و ریشخند و تمسخر آنان، مجبور کردن مردان اسیر به خودارضایی (Masturbation)، انداختن افسار به گردن مردان اسیر تا به صورت چهار دست و پا، مانند حیوان راه برود، مجبور کردن مردان به پوشیدن لباس زیر زنانه، قراردادن قلاده سگ به گردن مردان زندانی و قرار گرفتن سرباز زن آمریکایی در کنار آن‌ها برای ژست گرفتن و عکس برداری؛ سه خشونت علیه کودکان (Violence Against Children) مثلاً تجاوز به کودکان پسر در برابر چشمان زنان زندانی و... (صلاحی، ۱۳۹۳، ص ۸۸ تا ۹۳).

خشونت‌های جنسی از سوی نظامیان مرد آمریکایی در جنگ‌های ویتنام، کره جنوبی و افغانستان، علیه زنان و همچنین خشونت‌های جنسی از سوی نظامیان گروه‌های افراطی اسلام‌گرا، مثال‌های دیگر در این زمینه می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش جواب این سؤال که «جنایات جنسی به عنوان جنایت علیه بشریت کدامند؟ پی‌گیری شد؛ نخست به تعریف و سیرتاریخی جرم‌انگاری جنایت علیه بشریت و جنایات جنسی اشاره‌ای صورت گرفت و بیان گردید که یکی از چهار جنایت مهم بین‌المللی جنایت علیه بشریت است. حقوق‌دانان دو نوع تعریف یعنی تعریف مضیق و موسع از جنایت علیه بشریت انجام داده‌اند؛ اولی ناظر به صدماتی است که به حیات انسانی وارد می‌گردد، اما دومی صدمه‌ای مهم و عمدی نسبت به شخص انسان یا نسبت به وضعیت انسانی یعنی حقوق اساسی انسان می‌باشد.

جنایت علیه بشریت در معنای غیر تخصصی، اولین بار در بیانیه ۲۸ مه ۱۹۴۸ دولت‌های فرانسه، بریتانیا و روسیه نسبت به جنایات ضد انسانی ترک‌های عثمانی علیه مردم ارامنه بود، استعمال شد که ضمن محکومیت تک تک افراد دخیل در این قضیه مسئول نیز معرفی شدند و همچنین در بیانیه‌های جنگ جهانی اول.

اما در معنای تخصصی، نخستین بار بعد از جنگ جهانی دوم در دادگاه‌های نظامی

بین‌المللی نورنبرگ و توکیو تحت پی‌گرد قرار گرفت که ماده ۶ منشور نورنبرگ و ماده ۵ منشور توکیو به آن پرداخته‌اند؛ تا این‌جا جنایات جنسی به‌عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت مورد توجه نبوده است. به یکی از مصادیق جنایات جنسی که هتک ناموس به‌عنف یا تجاوز جنسی است اولین بار در ماده ۲ قانون شماره ۱۰ شورای نظارت و همچنین در ماده ۵ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و ماده ۳ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا توجه صورت گرفت. به‌تبع این اسناد بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تحت عنوان جنایات علیه بشریت، گام مهمی را در این راستا برداشتن و شش موضوع (هتک ناموس به‌عنف، برده‌گیری جنسی، به‌فحشا واداشتن، اجبار به حاملگی، عقیم‌سازی اجباری و خشونت جنسی) را به‌عنوان جنایات جنسی بر شمردند.

با نگاهی به یافته‌های این پژوهش به‌نظر می‌رسد، هدف از جرم‌انگاری جنایات جنسی در اسناد و آراء دادگاه‌های بین‌المللی کیفری و تأسیس محاکم بین‌المللی در این راستا، به‌ویژه دیوان بین‌المللی کیفری و مجازات صادره از سوی این محاکم، از یک سو انتساب جنایات فوق به متهمان بوده تا شاهد مجازات جنایات‌شان باشند و از سوی دیگر برای جلوگیری و بازداشتن همیشگی دیگران که در آینده ممکن است به ارتکاب جنایات جنسی ترغیب شوند، با این نیت که به آن‌ها نشان داده شود که دیگر نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه برای جامعه بین‌المللی قابل تحمل نیست و این جنایات دیگر روی برگه‌ها به‌صورت نوشته باقی نمی‌ماند، بلکه محاکم بین‌المللی رسیدگی به آن‌ها را به‌صورت عملی آغاز کرده‌اند که مثال‌هایی (آکایه‌سو، موسیما، فروندزیجا، سلیبسی، فوکا، باتاویا و...) نمونه‌های ذکر شده در این پژوهش هستند.

ولی کماکان این خطر وجود دارد که رسیدگی به این جنایات به‌عنوان جنایت علیه بشریت با جدیت خاصی پی‌گیری نشود، همان‌طور که شاهد مثال‌هایی فراوان در این زمینه هستیم و در این پژوهش هم اشاره‌ای صورت گرفت که چشم‌پوشی صورت می‌گیرد و بدون بررسی از آن‌ها عبور می‌شود. کشورها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ

و تأثیرگذار به جای توجه به کرامت انسانی به منافع خودشان می‌نگرد و علی‌رغم تلاش‌ها و گام‌های بلند در اسناد و محاکم بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، هنوز دسترسی کافی به عدالت برای زنان و کودکان و حتی مردانی که قربانی این جنایات گردیده‌اند، وجود ندارد. حتی گاهاً باعث می‌شود که قربانیان چنین جنایات از جامعه طرد گردند که به نمونه‌هایی اشاره شد.

جنایت علیه بشریت جرم بین‌المللی است. قربانیان چنین جنایات، تنها کسانی نیستند که مستقیماً از ارتکاب آن لطمه می‌بینند، بلکه کل بشریت‌اند. این جنایات تنها به دوران درگیری مسلحانه محدود نمی‌شوند و در تحقق آن این شرط لحاظ می‌گردد که به‌عنوان جزئی از یک حمله سیستماتیک یا گسترده نسبت به یک جمعیت غیر نظامی با علم به آن حمله ارتکاب یافته باشد.

تنها جرم‌انگاری جنایات جنسی در ساحت حقوق کافی نیست، جنایات جنسی و خشونت‌های مختلف به‌ویژه علیه زنان و دختران، حتی در غیر از زمان درگیری‌های مسلحانه اتفاق می‌افتد که جامعه و مقررات حاکم بر آن، با این قبیل جرائم با اغماض برخورد کرده و به فروکاستن آنان تا حد یک رفتار نامتناسب و نه یک جرم، بسنده می‌کنند. واضح است تا زمانی که جنایات جنسی تنها در نوع شدید خود مورد پیگرد قرار گیرند و انگشت اتهام به سوی خود قربانیان نیز دراز باشد، در زمان درگیری‌های مسلحانه نیز این عامل به‌عنوان یک ابزار برای تخریب و آزار زنان و گروهی که به آن تعلق دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. پیچیدگی اثبات این جرائم نیز بر فرار مجرمین جنایات جنسی از مجازات‌های مربوطه می‌افزاید؛ زیرا در محاکمه جنایات جنسی، تنها اثبات عناصر مادی و معنوی خود این جرائم کافی نیست؛ بلکه هر یک از این جنایات زیر مجموعه جرمی دیگر در حقوق بین‌الملل کیفری هستند که عناصر مادی و معنوی آن‌ها نیز بایستی ثابت شوند.

برای آنکه اعمال جنایات و خشونت‌های جنسی به‌صورت کل به‌ویژه علیه زنان و دختران در درگیری‌های مسلحانه کاهش و یا پایان یابد، تلاش‌هایی در زمینه‌های

مختلف را می‌طلبید؛ عدم رسیدگی به تبعیض‌های جنسیتی بر افزایش جنایت و خشونت‌های جنسی در زمان درگیری‌های مسلحانه نیز دامن می‌زند؛ بنابراین، گام نخست در راستای پایان دادن به جنایات جنسی، حفظ و تحکیم حقوق زنان و دختران در جنبه‌های مختلف زندگی است، علاوه بر این، مقررات حقوق بشردوستانه در هنگام درگیری‌های مسلحانه پاسخ‌گوی نیازهای امروزی نیست و باید به نحو قابل توجهی بهبود داده شوند.

با تکیه به اصل اساسی و بنیادین کرامت انسانی، در این زمینه آموزش منظم سربازان و نظامیان، حمایت‌های قانونی جامعه بین‌المللی از غیر نظامیان، ممنوعیت‌های خاص در برابر اشکال مختلف جنایات و خشونت‌های جنسیتی و بسترسازی در زمینه احترام به گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله این موارد هستند. سرانجام، این نکته بدیهی است، هنگامیکه تحقیقات، محکومیت و پیگردهای قانونی علیه مرتکبین این جنایات صورت بگیرد، میزان ارتکاب آن‌ها تا حدود زیادی کاهش خواهند یافت؛ برای کاسته شدن چشم‌گیر از تعداد بالای این جرائم علاوه بر سهولت در اثبات جنایات جنسی، به سازکارهای محکم‌تری نیز نیاز دارد که همکاری و تعامل بیشتر جامعه بین‌المللی در حمایت از دادگاه‌های بین‌المللی کیفری تعیین‌کننده خواهد بود.



## فهرست منابع

۱. اسلامی، رضا و سیده سارا میریان، (۱۳۹۴)، «بردگی جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر حقوق ایران»، نشریه پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱۱.
۲. پوره‌اشمی، عباس و سحر چوبین، (۱۴۰۰)، «جایگاه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین‌المللی»، دوفصلنامه تمدن حقوقی، شماره ۸.
۳. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۵، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید.
۴. ربو، دیدیه، (۱۳۹۹)، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه بهزاد رضوی فرد و محمد فرجی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۵. شادمانی، مهدیه، (۱۳۹۶)، «تحلیل و بررسی خشونت علیه زنان، (مطالعه موردی زنان در اروپا)»، نشریه پژوهش‌نامه حقوق بشری، شماره ۹.
۶. صابر، محمود و سپیده میرمجیدی‌هشجین، (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی جرم‌انگاری حاملگی اجباری در دادگاه یوگسلاوی، رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی، حمایت از جنسیت یا دیگر ارزش‌های موضوع حقوق بین‌الملل»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲.
۷. صالح عموم، محمود، (۱۳۳۷)، «هتک ناموس و روابط جنسی نامشروع»، نشریه کانون وکلا، شماره ۵۹.
۸. صالحی، جواد، (۱۳۹۵)، «رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در مواجهه با جرائم جنسی علیه کودکان سربازان دختر»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۶۱.
۹. صلاحی، سهراب، (۱۳۹۳)، «جرائم ارتكابی در زندان ابوغریب از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، مطالعه موردی جنایات شکنجه و خشونت جنسی»، نشریه مطالعات حقوقی، شماره ۴.

۱۰. صلاحی، سهراب، (۱۳۹۵)، حقوق بین‌الملل کیفری، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۱۱. کارمن، اندرو، (۱۳۹۴)، قربانیان جرم در آمدی بر بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه محمدتقی نوری، تهران: انتشارات مجد.
۱۲. کیتی‌شیایزری، کریانگ‌ساک، (۱۳۸۳)، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ نوزدهم.
۱۴. مولاوردی، شهیندخت، (۱۳۸۵)، کالبدشکافی خشونت علیه زنان، تهران: حقوقدان با همکاری دانش‌نگار.
۱۵. نوبهاری‌طهرانی، علیرضا، (۱۳۹۳)، تعرضات جنسی در نظام کیفری ایران و انگلستان، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.

16. "Control Council, Law No. 10, Punishment of Persons Guilty of War Crimes, Crimes Against Peace and Against Humanity", 1401/6/29, <http://hrllibraey.umn.edu>.
17. "Rome Statute of the International Criminal Court", 1401/6/30, <https://www.icc-cpi.int>.
18. "Statute of the International Criminal Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Genocide and Other Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of Rwanda and Rwandan Citizens Responsible for Genocide and Other Such Violations Committed in the Territory of NEIGHBOURING States, between 1 January 1994 and 31 December 1994", 1401/6/29, <https://www.ohchr.org>.
19. "Statute of the International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Com-

- mitted in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991 (International Tribunal for the Former Yugoslavia)", 1401/6/29, <https://www.ohchr.org>.
20. Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. The Hague, 18 October 1907, 1401/7/27, <https://ihl-databases.icrc.org>.
  21. AKAYESU, 2 September 1998, "International Criminal Tribunal for Rwanda", 1401/6/30, <https://unictr.irmct.org>.
  22. CELEBICI, 16 November 1998, "International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991", 1401/7/2, <https://www.icty.org>.
  23. Charter of the International Military Tribunal - Annex to the Agreement for the prosecution and punishment of the major war criminals of the European Axis ("London Agreement"), 1401/7/28, <https://www.refworld.org>.
  24. Cryer, Robert et al, 2010, AN INTRODUCTION TO International Criminal Law AND Procedure, 1401/7/5, <https://www.combridge.org>.
  25. Drake, Alyson M. 2012, "Aimed at Protecting Ethnic Groups or Women? A look At Forced Pregnancy Under THE Rome Statute", WILLIAM & MARY Journal of Women and The Law, volume 18, p 595-623, 1401/7/12, <https://scholarship.law.wm.edu>
  26. FOCA, 22 February 2001, "International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991", 1401/7/2, <https://www.icty.org>.
  27. FURUNDZIJA, 10 December 1998, "International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991", 1401/6/30, <https://www.icty.org>.

28. Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field (Lieber Code). 24 April 1863, 1401/7/7, <https://ihl-databases.icrc.org>.
29. Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field (Lieber Code). 24 April 1863, 1401/7/27, <https://www.docdroid.net>.
30. International Military Tribunal for the Far East Charter (IMTFE Charter), 1401/7/28, <https://www.jus.uio.no>.
31. Means of Proof (Sexual and Gender-Based Violence Crimes), International Criminal law Guidelines, Case Matrix Network, 2017, 1401/7/13, <https://www.un.org>.
32. MUBELO, Willy MOKA, (2017), Philosophy and Politics – Critical Explorations, Reconciling Law and Morality in Human Rights Discourse Beyond the HABERMASIAN Account of Human Rights, Volume 3, Springer International Publishing AG
33. MUSEMA, 27 JNAUARY 2000, “International Criminal Tribunal for Rwanda”, 1401/6/30, <https://unictr.irmct.org>.
34. Netherlands Temporary Court-Martial at Batavia, Case No. 76, Trial of WASHIO AWOCHI, Judgment delivered on 25 October 1946, as cited by UNWCC in Law Reports of Trials of War Criminals, 1997, 1401,7,4, <https://www.legal-tools.org>.
35. Proposal submitted by Canada and Germany on article 7, Doc. PCNICC/1999/ WGEC/DP.36 of 23 Nov. 1999, at 7, n. 11., 1401/7/5, <https://www.legal-tools.org>.
36. PROTOCOLS ADDITIONAL TO THE GENEVA CONVENTIONS OF 12 AUGUST 1949, 1401/7/27, <https://www.icrc.org>.
37. SPECIAL COURT FOR SIERRA LEONE, The Prosecutor v. Alex TAMBA BRIMA, BRIMA BAZZY KAMARA and SANTIGIE BORBOR KANU, TRIAL CHAMBER II, Case No. SCSL-04-16-T, 20 June 2007, 1401/7/13, <https://www.refworld.org>.

38. THE GENEVA CONVENTIONS OF 12 AUGUST 1949, 1401/7/27,  
<https://www.icrc.org>.